



نمی‌توانند زندگی کنند. هر دو، سه شب یک بار، بسته به توانشان، بعد از ضد عفونی کردن معابر و خیابان‌های شهر، این گروه، وظیفه شهروندی خود را به شکل دیگری، انجام می‌دهند؛ در حاشیه شهر حاضر می‌شوند و بسته‌های اقلام و مواد ضد عفونی‌کننده را در اختیار خانواده‌ها قرار می‌دهند. اسماعیل توضیح می‌دهد که اعضای جوان گروه، یک طرف کار را گرفته‌اند و همه کارها با حمایت مالی خود اعضا انجام می‌شود. خودشان پول روی هم گذاشته‌اند و سمپاش خریداری کرده‌اند، خودشان مواد ضد عفونی‌کننده را تولید می‌کنند و خودشان با هم، دست کمک و نیاز، نیازمندان حاشیه شهر را به گرمی می‌فشارند. کاری که اسماعیل معتقد است وظیفه شهروندی است و با توجه به نیاز جامعه، حال باید انجام شود. کاری که خیلی خودجوش و بدون وابستگی به ارگان یا نهاد خاصی، بسته به توان و بضاعت جوانان پایتخت انجام می‌شود.



فاصله بیش از یک و نیم متری را رعایت کنند. در این بین ضد عفونی کردن گرمخانه‌ها نقطه اوج کار آنهاست. اتفاقی که شاید کمتر کسی در هیاهوی تهران، به آن توجه کند. این اما تنها کاری نیست که آنها انجام می‌دهند. در کنار گروه‌های ضد عفونی‌کننده معابر، یک گروه دیگر از اعضا، در یک سالن مخصوص که یکی از خیرین در اختیار گروه قرار داده است، برای کادر درمان و بیمارستان، ماسک می‌دوزند. اسماعیل می‌گوید هر روز، ۲۰ تا ۳۰ نفر از اعضا، هزاران ماسک می‌دوزند. ماسکی که به رایگان در اختیار کادر درمان قرار می‌گیرد. نکته مهمی که این گروه را نسبت به گروه‌های دیگر متمایز کرده چیز دیگری است. در روزها و شب‌های کرونایی که شاید خیلی از گروه‌های خیر، سرشان گرم تولید ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده است، آنها نیازمندان حاشیه شهر را فراموش نکرده‌اند، کسانی که شاید اگر حضور و توجه خیرین نباشد، اصلا

## حاشیه‌های فراموش نشده

### ضد عفونی محیط و تولید ماسک

#### شهر: تهران

داستان اسماعیل محمدزاده از یک کلاس مشاوره شروع شد. کلاسی که او برای آرامش روح، در آن، شرکت کرده بود. دقیقاً واسط کلاس ویروس کرونا پایش به کشور باز شد و بعد داستان‌های همه‌گیری و افزایش مبتلایان پیش آمد. در همین کلاس بود که او تصمیم مهمی گرفت. تصمیمی که البته از طرف یکی از همکلاسی‌ها مطرح شد، کسی که اسماعیل از او به عنوان یک خیر نام می‌برد. ایده اولیه گفته شد و بلافاصله تعداد زیادی برای کمک اعلام آمادگی کردند. اسماعیل ۳۱ ساله هم یکی از آنها بود. این که همه هر روز، در کنار هم جمع شوند و به کوچه‌ها و محلات شهر بروند و خیابان‌های پایتخت را ضد عفونی کنند. اسماعیل می‌گوید که یک گروه ۱۴۰ تا ۱۵۰ نفره جوان، از سن ۲۴ سال تا ۴۵ سال، هر روز، یک محله را انتخاب می‌کنند و در روزهای کرونایی، برای ضد عفونی کردن، معابر و مکان‌های عمومی، به دل کلانشهر تهران می‌زنند تا ویروس‌کشان راه بیندازند. او و دوستانش که خیلی‌هایشان هم خانوادگی فعالیت می‌کنند، هر روز، از ۸ تا ۱۲/۵ شب، مکان‌های عمومی را از وجود کرونا پاک می‌کنند. او از محلاتی می‌گوید که اهالی در آن بی‌توجه به ویروس کرونا، بدون ماسک و حتی حفظ فاصله‌گذاری تردد می‌کنند. اسماعیل توضیح می‌دهد که در کنار ضد عفونی کردن معابر و خیابان‌ها به دیگران آموزش‌های لازم را هم می‌دهند. این که باید حتماً ماسک به صورت بزنند و



بر همه اینها میلاد از همدلی مردم در خون‌رسانی به بیماران شهر هم می‌گوید. از بیماران خاصی که به طور متوسط در هفته تقریباً نیاز دارند که یک روز در میان خون دریافت کنند، اما با وجود ویروس و کاهش مراجعه به مراکز درمانی، به دست آوردن، این طلای خونی و ارزشمند آنها با مشکل روبه‌رو شده است. هرچند میلاد می‌گوید با گروه‌هایشان به مراکز انتقال خون رفتند، تا کمبودهای خونی بیماران را جبران کنند. خود او، کارت اهدای خون دارد و هر ماه، سه تا چهار بار، خون هدیه می‌دهد. در این روزها اما بیش از هر زمان دیگری، بچه‌های شهر شوشتر، بعد از کار شبانه و ضد عفونی کردن، شیر جانشان را هدیه می‌دهند تا اجرشان تمام و کمال شود.



هیات‌های مذهبی که در زمان محرم برای عطرآگین کردن خیابان‌ها و دسته‌های عزاداری از آنها استفاده می‌کردیم، حالا وسیله ضد عفونی‌کننده ما شده است. آنها از ۴۰ گلاب پاش استفاده می‌کنند، ولی این همه دارایی آنها نیست. میلاد تعریف می‌کند هر کدام از مردم، پای کار آمده‌اند و برای ضد عفونی کردن شهر، مشارکت می‌کنند. از کشاورزی که پمپاژ سم‌پاشی و تراکتورش را به کار انداخته تا مردمی که وسایل اولیه مانند وایتکس در اختیار گروه‌ها قرار می‌دهد. همه دست به دست هم دادند تا شهری به دور از ویروس کرونا داشته باشند. به خاطر همین است که در شهرستان حدود ۲۵۰ هزار نفره شوشتر تعداد اندکی، به ویروس، مبتلا شده‌اند. علاوه

## سمپاشی با گلاب پاش

### ضد عفونی محیط و اهدای خون

#### شهر: شوشتر

آن قدر سریع صحبت می‌کند که خیلی وقت‌ها، آدم از حرف‌هایش جا می‌ماند. کلمات تا بنشینند در ذهن، او کلمات دیگری را ادا کرده است. درست مانند مجموعه کارهایی که در روزهای کرونایی انجام داده است. اسمش میلاد خیاط است و در شهر شوشتر زندگی می‌کند. شهری که این روزها، با همبستگی همه مردم شهر، روزهای خوبی را سپری می‌کند. اینها را میلاد می‌گوید و با این که مسؤول روابط عمومی، گروه‌های جهادی، شهرستان شوشتر است، از همه مردم شهر، از شهرداری، مدیران شهری و بعد خودشان، بچه‌های آنها و هفت گروه جهادی شهرستان می‌گوید. داستان این گروه از ضد عفونی کردن خیابان‌ها و محلات شهر شروع شد. از زمانی که ضد عفونی کردن معابر و محلات در بسیاری از شهرها هنوز انجام نشده بود و میلاد و دوستانش، به کمک همه مردم شهر، به این فکر کردند که کاری کنند تا ویروس کرونا، جرات ورود به شهرشان را نداشته باشد. او و همه مردم شهر، هر شب، از ساعت ۱۲ شب تا ۴ صبح، خیابان‌ها و معابر را ضد عفونی می‌کنند. خیاط توضیح می‌دهد که هر شب، گروه با درست کردن پنج برابر آب و یک لیتر وایتکس ماده ضد عفونی‌کننده خود را می‌سازند و به دل سیاهی شب می‌زنند تا به جنگ با کرونا بروند. نکته جالب در این میان، اما وسیله‌ای است که آنها برای ضد عفونی کردن معابر از آن استفاده می‌کنند. خیاط می‌گوید: «گلاب پاش‌های